

## دفاع از دیکتاتوری مارکس را با این اتهام به مسلخ جنگ سرد بردند ترجمه و تدوین جعفرپویا

کمونیسم مغایر با دمکراسی است؟

بسیاری بر این باورند که مارکسیسم با دمکراسی مغایر است و سرانجام آن چیزی جز استبداد سیاسی نخواهد بود. در تائید این نظر گفته می‌شود که باید به تجربیات تاریخی جوامعی که خود را ملهم از مارکسیسم می‌دانستند نگاه کرد. برعکس، جوامع سرمایه‌داری بوده‌اند که توانسته‌اند آزادی‌های عمومی را در اساس حفظ کنند. بعبارت دیگر، برای آنکه دمکراسی سیاسی بخت بقا داشته باشد باید از آرمان کمونیسم فاصله گرفت. آیا اندیشه مارکس به دیکتاتوری ختم می‌شود؟ ولو آنکه در پشت اهدافی شریف سنگر گرفته باشد؟

ما در اینجا با دو مسئله مواجه هستیم. یکی خود اندیشه مارکس است و دوم آنچه بنام آن انجام شده است. از نظر مارکس، انقلاب ضد سرمایه‌داری نمی‌تواند اندک بختی برای پیروزی داشته باشد، مگر در شرایط توسعه سرمایه‌داری، با عزیمت از تضادهای خاص آن (کاهش گرایشی نرخ بهره، تمرکز مالکیت، بحران اضافه تولید، فقر زدگی فزاینده و غیره). این انقلاب ضمناً متکی به دستاوردهای اقتصادی و نیز ترکیب اجتماعی جامعه سرمایه‌داری خواهد بود. "مانیفست حزب کمونیست" تأکید می‌کند که جامعه سرمایه‌داری یک طبقه مزدبدر بوجود می‌آورد که به اکثریت تبدیل خواهد شد؛ طبقه ای که منافع آن در تضاد با منافع بورژوازی است و باید عامل و اجراکننده تحول اجتماعی باشد. به گفته مارکس انقلاب کمونیستی "جنبش خودپوی اکثریت عظیم در جهت منافع اکثریت عظیم" است؛ نه تنها در جهت منافع اکثریت عظیم که ممکن است این تصور را بوجود آورد که یک حزب پیشاهنگ می‌تواند جانشین اکثریت باشد، بلکه جنبشی از سوی این "اکثریت عظیم". بر خلاف انقلاب‌های گذشته که توسط اقلیت و در جهت منافع اقلیت انجام می‌شد، انقلاب کمونیستی روندی دمکراتیک است که مردم در آن واحد هم عامل آن هستند و هم برندگان آن.

از این گذشته زمانی که مارکس درباره شرایط سیاسی گذار به کمونیسم می‌اندیشد، همواره به این نکته توجه می‌دهد که دستاوردهای انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه باید حفظ شود. درست است که در "مسئله یهود" (۱۸۴۳) از "بیانیه حقوق بشر و شهروندان" انقلاب فرانسه انتقاد می‌کند اما برخلاف آنچه برخی مفسران شتابزده مدعی هستند هرگز این بیانیه را بی اعتبار نمی‌داند. انتقاد مارکس آن است که این بیانیه (از خلال دفاع از مالکیت خصوصی بطور مثال) از حقوق یک انسان بورژوازی خودخواه دفاع می‌کند. اما او هرگز اصل حقوق شهروندان را انکار نمی‌کند و آن را "بورژوا" نمی‌داند. مارکس تنها تأکید می‌کند که آزادی که بورژوازی به ارمغان می‌آورد، فراگیر نیست و تنها در بخشی از حیات اجتماعی است. این آزادی تنها محدود به عرصه سیاسی است بدون آن که به عرصه اقتصادی یا اجتماعی تسری یافته باشد. این آزادی ناتمام در این شرایط می‌تواند منبع توهم یا فریب باشد. اما مارکس به روشنی تأکید می‌کند که این آزادی سخت بدست آمده، "یک حلقه ناگزیر" و "یقیناً یک پیشرفت بزرگ" در مسیر رهایی کامل انسانی است. آیا می‌توان از او انتظاری دیگر داشت زمانی که بیاد آوریم او همواره برای آزادی سیاسی در کشور خود - آلمان - و دیگر کشورها مبارزه کرده بود؟ می‌بینیم که انحراف کمونیسم تاریخی ربطی به نظریه مارکس ندارد، بلکه مربوط به شرایطی

است که درون آن این نظریه می‌خواست اجرا شود : توسعه نیافتگی، فقدان نهادهای دمکراتیک قبلی و پایدار و ...

آنچه بحث را در این مسئله مغشوش ساخته آن است که مارکس از "دیکتاتوری پرولتاریا" دفاع کرده است. مارکس دیکتاتوری پرولتاریا را همچون شیوه اعمال قدرت انقلابی می‌فهمید و این موجب پیدایش یک گمراهی اساسی در مورد رابطه او با دمکراسی شده است. مارکس دیکتاتوری پرولتاریا را نتیجه یک روند سیاسی اکثریت مردم می‌دانست یعنی یک روند دمکراتیک و اصلا مسئله دفاع از روش‌های "دیکتاتوری" در آن مفهوم که ما در قرن بیستم شناختیم از نظر او مطرح نبود. مسئله صرفا آن بود که مارکس هر قدرتی را یک قدرت طبقاتی می‌دانست. طبقاتی بودن این قدرت به معنای آن است که اجباری ناگزیر را بر روی بخشی از نیروهای اجتماعی وارد می‌آورد ولو اینکه این کار را از نظر شکلی از طریق روش‌های کاملا دمکراتیک به انجام رساند. چنانکه مارکس کمون پاریس را تلاشی برای دمکراسی سیاسی کامل می‌دانست و انگلس در آن دقیقا تحقق "دیکتاتوری پرولتاریا" را می‌دید. مارکس بنابراین از نظر صرفا سیاسی طرفدار جمهوری دمکراتیک بود. اما باوجود ارزشی که به جمهوری دمکراتیک می‌داد به آن اکتفا نمی‌کرد. او خواهان آن بود که از طریق کمونیسم یک جمهوری سوسیال و اجتماعی بوجود آید؛ یک دمکراسی که از چارچوب دمکراسی سیاسی شکلی فراتر رود (یعنی از صرف انتخابات عمومی، آزادی اندیشه و بیان و تجمعات و غیره) و به عرصه اجتماعی و اقتصادی (از طریق مالکیت جمعی) گسترش پیدا کند و بدین‌طریق آزادی انسان را در جامعه دهها بار افزون کند.

راه توده ۱۵۰ ۲۴,۰۹,۲۰۰۷